



نسخه تلفن همراه

بيانات رهبر انقلاب اسلامی در در دیدار جمعی از مذاهان اهل بیت (علیهم السلام)



بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا ونبينا أبي القاسم المصطفى محمد وآله الاطيبيين الاطهرين المنتجبين الهداء المهدىين المعصومين. اللهم صل على فاطمة وابيهما وبعلها وبنيهما صلواتك وصلوات ملائكتك وأوليائك عليهم.

تبریک عرض میکنم روز عید مبارک را و تشکر میکنم از برادران عزیزی که برنامه اجرا کردند و جداً استفاده کردیم ولذت بردیم. این سرواد آخر جلسه هم هرسال حسن ختمی است برای این جلسه که جناب آقای سازگار این سرواد را هر سال انشاء میکنند؛ امسال خیلی هم خوب اجراشد؛ مضامین خوب، مفاهیم خوب، درس، تعلیم، تذکر.

۰ مذاهی؛ پدیده‌ی اختصاصی شیعه و درخور کاری علمی

در این جلسه که شما برادران عزیز حضور دارید - البته خواهان گرامی هم هستند - خطاب من بیشتر به شما برادرانی است که به افتخار مذاهی و ذاکری سید الشهداء (سلام الله عليه) و اهل بیت (عليهم السلام) مفتخرید. الحمد لله كمیت مذاهان - بخصوص جوانان - در این عرصه کمیت بسیار مطلوب و زیاد و خوبی است، کیفیت‌ها هم در بعضی از جاهات واقعاً خوب

است. این مسئله‌ی مذاхی در کشور ما یک پدیده‌ای است؛ شبیه این را مادر هیچ جای دیگری نداریم. البته اختصاصات جامعه‌ی شیعه و چیزهای اختصاصی که در سایر جوامع اسلامی و غیر اسلامی نیست، متعدد است؛ خود اصل عزاداری مثلاً یا اصل مصیبت خوانی برای اهل بیت (علیهم السلام) که معمولاً همراه است با موعظه و نصیحت و [بیان] معارف و مسائل روز و بیانات گوناگون و هرچه اقتضای هر زمانی میباشد، جزو اختصاصات شیعه است و از زمان ائمه (علیهم السلام) تا امروز ادامه داشته است؛ در جاهای دیگر نیست و خلاش راحساس میکنند. خلیش را در جاهای دیگر احساس میکنند و سعی میکنند یک جوری پر کنند و نمیشود. لکن این پدیده‌ی مذاخی و نغمه‌سرایی در باب مدح و مصیبت و مرثیه و ذکر و امثال اینها هم یکی از اختصاصات است؛ این هم جای دیگری نیست و به این شکل وجود ندارد؛ به این عمومیت و به این وسعت - چه وسعت از لحاظ کمیت، چه وسعت از لحاظ معانی و مفاهیم و مانند اینها - نیست. این پدیده در خور کار علمی است؛ یعنی واقعاً جا دارد دانشجویان ما، اساتید ما، محققین مابنشینند و روی این پدیده فکر کنند، کار کنند؛ هم تفسیر و تحلیل کنند، هم راههای علمی گسترش این را به مانشان بدهند و یاد بدهند. مادر واقع دست کم گرفتیم این پدیده را؛ خیلی پدیده‌ی مهمی است. خب، مابحمدالله این توفیق را داشتیم، این فرصت را بادران مذاح تشکیل دادیم. شاید در بین شما جمعیت، کسانی که هر سال این جلسه را با برادران مذاح تشکیل دادیم. شاید در بین شما جمعیت، کسانی که عمرشان از عمر این جلسه کمتر است، کم نباشند. سی و چند سال است که این جلسه برقرار است. پس فرصت خوبی است برای اینکه راجع به این پدیده یک مقداری صحبت کنیم.

○ اهمیت سخن در باب سیره‌ی حضرت زهراء (سلام الله علیها)

در باره‌ی حضرت زهراء (سلام الله علیها) - این رانه به عنوان اینکه آدم بخواهد جزو حرفهای متعارف و معمول که میزنند، بر زبان جاری کند - حقاً و انصافاً مهاقاصریم، حقیر تراز آن

هستیم که بخواهیم از آن مقام باعظمت سخن بگوییم؛ از حقیقت نوری آن بزرگوار و امثال ایشان از ائمه موصومین، زبان ماهها، بیان ماهها، فهم ماهها کوتاه‌تر از این است که بتوانیم در این زمینه‌ها صحبت کنیم. خَلَقْكُمُ اللَّهُ أَنوارًا فَجَعَلْكُم بِعَرْشِهِ مُحْدِقِينَ؛ (۲) قضیه‌ی انوار ائمه موصومین (علیهم السلام) این است؛ دیگر حالاً ماچه می‌خواهیم بگوییم؟ لکن در زمینه‌ی سیره‌ی این بزرگواران و رفتارهای آنها و اسوه بودن آنها به عنوان یک بشر، چرا، حرف زیاد هست. خیلی حرفه‌را هم زده‌اند؛ بعضی از برادران هم در شعرهای امروز تان اشاره کردید. میدان هم برای حرف زدن زیاد است. در این زمینه چند جمله‌ای عرض می‌کنیم.

○ حضرت زهرا (سلام الله علیہا)؛ اسوه والگویی برای مؤمنین

ما باید راجع به حضرت زهرا (سلام الله علیہا) از این نگاه دوّم، یعنی اسوه بودن و مثال بودن نگاه [کنیم]. خدای متعال در قرآن راجع به دوزن به عنوان اسوه‌ی مؤمنین و دوزن [به عنوان] نمونه‌ی کافرین - ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءامَنُوا الْمَرْأَتَ فِرْعَوْنَ، (۳) و بعد از یک آیه: وَمَرِيمَ ابْنَتَ عَمْرَنَ (۴) - مثال زده است و برای مؤمنین - نه برای زن‌های مؤمن؛ مرد و زن - دونمونه آورده است. با این نگاه می‌شود به این بزرگواران نگاه کرد به عنوان نمونه و از آنها درس گرفت. خب، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیہا) صدیقه‌ی کبر است در میان صدیقین و صدیقات، کبرا یعنی بزرگ‌ترین صدیقه است این بزرگوار.

○ وظایف مداعن:

۱. بیان الگوهای کاربردی از خصوصیات حضرت زهرا (سلام الله علیہا)

حالاً می‌خواهیم از ایشان درس بگیریم؛ زن‌ها هم درس بگیرند، مرد ها هم درس بگیرند؛ همه - عالم و جاہل - درس بگیرند. ببینیم درباره‌ی این بزرگوار در کلمات ائمه موصومین، آنچه ذکر می‌شود از مدایح، چه چیزهایی است. در زیارت امام رضا (علیه السلام) وقتی نوبت

به حضرت زهرامیرسد برای صلوٽ - آن زیارتی که سرتاپا صلوٽ است - [میگوید]: اللہمَ صَلِّ عَلٰی فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِیٍّک؛ (۵) این یک خصوصیت. خب، این خصوصیت خیلی مهم است؛ البته قابل تأسی نیست؛ همه دختر پیغمبر نمی‌شوند؛ اما انتساب به پیغمبر به صورت دختر او، نشان دهندهٔ رفعت مقام است. وَزَوْجَهُ وَلِیٌّک، این هم دومی؛ البته این هم قابل دست‌گیری نیست و همه نمی‌توانند زوجهٔ ولی خدا بشوند؛ اما رفعت مقام، رفعت شأن و جاه و جلال این بزرگوار را نشان میدهد. وَأَمَّا السَّبَطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ جنبهٔ کاربردی این [خصوصیت]، بیشتر از آن دو صفت قبلی است؛ جنبهٔ کاربردی تربیت سبطین. سبطینی که «سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» هستند، مادرشان این بزرگوار است؛ دامان پاکیزهٔ این مادر است که توانسته اینها را تربیت بکند. این آن چیزی است که می‌تواند برای ما به عنوان الگو، به عنوان اسوهٔ مطرح بشود.

بعد، «الظَّهِيرَةُ الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ الرَّضِيَّةُ الرَّزِكِيَّةُ» (۶) که همهٔ اینها کاربردی است؛ طهارت، با سه بیان که البته این سه بیان «طهر»، «طاهر» و «مطهر» تفاوت‌هایی از لحاظ معنا با هم دارند. البته [هر] سه تعبیر اشارهٔ کاربردی از روح، طهارت دل، طهارت مغز، طهارت دامان، طهارت سرتاسر زندگی. خب این کاربردی است، این برای مادرس است؛ باید سعی کنیم خودمان را پاکیزه کنیم، باید تطهیر کنیم خودمان را؛ بدون طهارت باطن نمی‌شود به مقامات رسید؛ به حریم ولایت این بزرگوارها هم نمی‌شود رسید؛ طهارت باطن لازم است. طهارت باطن، با تقوا است، با ورع است، با ملاحظه است؛ ملاحظهٔ دائمی و مراقبت دائمی از خود طهارت به وجود می‌آورد. خب البته انسان جایز الخطأ است و ممکن است بر ماسیاهی‌هایی عارض بشود اما راه پاک کردن آن سیاهی‌ها را هم خدابه مانشان داده، یاد داده: توبه، استغفار. استغفار کنیم؛ استغفار، یعنی عذرخواهی کردن؛ «استغفر الله»، یعنی خدایا عذر می‌خواهم، معذرت می‌خواهم. واقعاً، قلب از ته دل از خدای متعال معذرت بخواهیم؛ این استغفار است، این پاک می‌کند آن سیاهی را

وآن لگه را خب، **الطّهْرَةِ الطّاهِرَةِ المُطَهَّرَةِ**. التّقیّه، همان تقوا؛ النّقیّه، آن نقاوت و پاکیزگی باطنی و قلبی؛ اینها خصوصیات فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است. ما اینها را بایستی به عنوان الگو، به عنوان اسوه، در نظر داشته باشیم و خودمان را به آن نزدیک کنیم.

○ ضرورت الگوگری در جهت تکامل و انسان شدن

خب، حالا شما به عنوان مذاح وقتی میخواهید راجع به فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) صحبت کنید، اینها را باید بگنجانید در بیاناتتان، در شعرتان، در مدیحه‌تان. بله، مقامات معنوی ائمه (علیهم السلام) و فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) وقتی گفته میشود، دل مستمع روشن میشود، وقتی که شما مقامات معنوی را میخوانید، دل انسان روشن میشود، حالت حضوری پیدا میکند، حالت خضوعی پیدا میکند، این خیلی خوب است، اینها به جای خود محفوظ و لازم است لکن کافی نیست. حالا که حالت حضور پیدا شد، حالا که دلتان روشن شد، باید درس بگیریم؛ درس در این جملات کاربردی است؛ یعنی بایستی کوشش بشود در هر منبری - چه در فاطمیه، چه در عاشورا، چه در اوقات دیگر - درس از ائمه (علیهم السلام)، درس انسان شدن، درس کامل شدن، درس تقرّب الى الله گنجانده بشود. ما باید درس بگیریم، یاد بگیریم. صرف محبت کافی نیست. البته محبت کارساز است اما کافی نیست، ولایت لازم است. ولایت یعنی تولی کردن، دنباله‌روی کردن، دست به دامن اینها زدن؛ راهی را که اینها رفته‌اند انسان آن راه را برود؛ این لازم است.

این یک نکته است که به نظر بنده در کار مذاحی - بخصوص گویندگان، به معنای شعرایی که شعر می‌سازند - مورد توجه باید قرار بگیرد: گاهی انسان می‌بیند که فضائلی را ذکر می‌کنند که حالا در هیچ روایتی و در هیچ جمله‌ای از معصوم هم این فضیلت وجود ندارد [و در واقع] فضیلتی هم نیست. گفت: «آنکه بسنجدید رخت را به ماه زاشتباه» در واقع از قیمت تو کاست؛ (۷) به ماه تشبیه کردن و به خورشید تشبیه کردن چیزهایی نیست که

ارزشی برای آن مُشبّه به وجود بیاورد، آن هم مثل این بزرگوارانی که مقامات معنوی شان، مقامات الهی شان آن چنان است که چشم اهل معنارا خیره میکند، چه ماهاتر آن چشم راهنمایی که بخواهیم بفهمیم. گاهی هم کلیاتی گفته میشود که از آن چیزی فهمیده نمیشود و مستمع استفاده‌ای نمیکند. پس من جمله‌ی اولم به شما برادران عزیز این است که در مدح این بزرگواران - چه حضرت زهرا (سلام الله علیها)، چه ائمه‌ی هدا (علیهم السلام) - حتماً از مباحث کاربردی‌ای که در زندگی اینها هست استفاده بشود.

۲. توجه به مسائل جاری روز

یک نکته‌ی دیگری که خوشبختانه امروز در جامعه‌ی مذاх تا حدود زیادی رواج دارد، توجه به مسائل جاری روز است که خب امروز اینجا شنیدید در بخش‌های مختلفی راجع به مدافعين حرم و مسائل جاری روز؛ اینها خیلی مسائل مهم‌ی است، اینها مسائل اساسی‌ای است؛ نباید خیال کنیم که اینها از حیطه‌ی تدین ما خارج است. خب شما ببینید پیغمبر اکرم که سید خلق عالم است و برتر از این بزرگوار هیچ موجودی را خدای متعال نیافریده است و آورنده‌ی همین دین و همین اسلامی است که ما امروز مدعی اش هستیم، در زمینه‌ی مسائل جاری سیاسی کشورش - همان کشوری که آن روز وجود داشت و کشور کوچکی بود - این بزرگوار چقدر تلاش میکرد، چقدر زحمت میکشید. پیغمبر اکرم نمی‌نشست فقط احکام نماز و روزه و توجه و عبادت و نماز شب را به مردم یاد بدهد؛ نه، در همین مسجد مردم را جمع میکرد، آنها را به جهاد دعوت میکرد، آنها را به وحدت دعوت میکرد، آنها را به آگاهی در مقابل دشمن دعوت میکرد؛ همین حرفهایی که امروز برای من و شما مطرح است. مسائل روز مسائلی نیست که بشود از آن صرف نظر کرد.

۰ وجود نظام استکبار و زورگویی این نظام و نارضایتی ملت‌ها از آن

ببینید؛ یک نظامی در عالم وجود دارد: نظام استکبار، نظام زورگویی، نظام ظلم؛ البته از

قدیم هم همین نظامها بوده است، منتها امروز مدرن شده است، با تجهیزات نو مجهز شده. قدرتهای برتر به ملتها زور می‌گویند؛ [این] زور گفتن هم حد و اندازه‌ای ندارد؛ اگر اموالی دارند، می‌گیرند؛ اگر نیروی انسانی قابلی دارند، از آنها میدزند؛ اگر استعدادی در آنهاست که آنها را تهدید می‌کند و رقیب برای آنها می‌ترشد، آن استعداد را خفه می‌کنند؛ زورگویی انواع و اقسامی دارد. امروز این زورگویی در دنیا وجود دارد؛ نظام بین‌الملل جهانی که اسمش را گذاشتند جامعه‌ی جهانی، یعنی نظام زورگویی؛ و آلام را از جامعه‌ی جهانی، دولتها و ملت‌های دنیا که نیستند؛ دولتها و ملت‌های دنیا بیزارند از شکل این چند قدرت برتر دنیا که خودشان را می‌گویند جامعه‌ی جهانی. جامعه‌ی جهانی یعنی همین: افرادی که مبنای کارشان زورگویی به همه‌ی ملت‌ها و همه‌ی کشورها و همه‌ی اینها است. و ما که در جمهوری اسلامی هستیم، هم قبل از نظام جمهوری اسلامی در دوران رژیم طاغوت، نمونه‌هایش را یک جور دیده‌ایم، هم بعد از تشکیل نظام جمهوری اسلامی نمونه‌هایش را یک جور دیگر دیده‌ایم؛ یک نظامی امروز در دنیا به این شکل وجود دارد. این نظام ناراضی هم زیاد دارد؛ خیلی از ملت‌های ناراضی اند؛ منتها از ملت‌ها که کاری برنمی‌آید؛ صدای ملت‌هارا کسی نمی‌شنود؛ نه رسانه به آن صورت در اختیارشان است، نه اصلاً [حرف آنها] جایی حساب می‌شود؛ حالاً گیرم مثل‌آدهزار نفر هم در یک واحد الکترونیکی مثل‌آرسانه‌های الکترونیک و مانند اینها باهم جمع شدند و یک حرفی زندند، یا جمع شدند در خیابانها راه رفتند؛ حالا که چه؟ در قضیه‌ی حمله‌ی آمریکا به عراق در [کمتر از] پانزده شانزده سال قبل از این در همه‌ی این خیابانهای پاریس و بعضی کشورهای اروپایی دیگر، راه پیمایی راه افتاد در مخالفت با آمریکا؛ چه اثری کرد؟ ملت‌ها به خودی خود که کاری نمی‌توانند انجام بدند؛ دولتها هستند که اگر چنانچه پشتیبانی ملت‌هایشان را داشته باشند، می‌توانند حرفی بزنند و این حرف در دنیا مطرح بشود؛ چنین دولتی هم در دنیا نیست؛ دولتهایی هستند [ولی] [می‌ترسند]؛ ناراضی اند [ولی] [می‌ترسند]. من به نظرم در صحبت اول سال (۸) این را گفتم که رؤسای رژیم طاغوت

هم خیلی اوقات از کارهای آمریکاناراضی بودند. در خاطرات این بازماندگانشان که آدم نگاه میکند، میبیند یک جاها یی خیلی هم ناراضی اند و در خلوت بدگویی هم میکنند به آنها اماً جرئت نمیکنند مخالفت کنند؛ به عنوان دولت، واحد سیاسی و مدیریت جامعه جرئت نمیکنند. امروز در دنیا این جوری است؛ خیلی ها ناراضی اند اماً جرئت نمیکنند مخالفت کنند.

○ استقرار نظامی در مقابل نظام جهانی براساس تفکرات اسلامی

یک نظامی در دنیا، در این بلبشو، در این جنگل به هم ریخته بدهم آمیخته و ظلم و زور، به وجود آمده است که یک پایه هایی دارد که این پایه ها درست نقطه مقابله ای مقابله آن چیزی است که امروز نظام جهانی بر آن استوار است؛ نقطه مقابله ظلم است، نقطه مقابله استثمار است، نقطه مقابله جنگ طلبی است، نقطه مقابله فساد است؛ آن نظام، نظام جمهوری اسلامی است. این نظام براساس اسلام، براساس دین، براساس تفکرات اسلامی ناب به وجود آمده و یک جماعتی هم از اول در رأس این نظام قرار گرفته است که طبیعت اینها این است که از قدرتهای بزرگ نمیترسند و آن روحانیونند. این را خود تحلیل گرها و جامعه شناس های غربی، امروز میگویند؛ از اول انقلاب هم میگفتند؛ میگفتند این آخوندها نمیترسند از ما. [البته] بعضی هایشان ممکن است وابسته هم باشند و هستند، اما طبیعت نظام آخوندی در جامعه شیعه، یک چنین طبیعتی است. حالا اتفاقاً اینها در رأس این نظام قرار گرفته اند. مردم هم که همراهی میکنند. مردم هم او لاً مردم بالاستعدادی اند، ثانیاً جوان در بین اینها زیاد است - جمعیت ما ز ۳۵ میلیون در اول انقلاب، حالا تقریباً رسیده به ۸۰ میلیون؛ یعنی جمعیت ناگهان افزایش پیدا کرده است؛ اگرچه علیه آن [هم] دارند کار میکنند - استعداد زیاد است؛ شجاع هم هستند، نترس هم هستند. خب، وقتی که یک کشوری است که مردم این جوری فکر میکنند، سردمداران حکومت هم نمیترسند از هیمنه‌ی (۹) جهانی، این

برای استکبار یک خطر عمد است، یک خطر کاملاً بزرگ است. لذا جبهه علیه آن تشکیل میشود؛ کما اینکه الان علیه جمهوری اسلامی جبهه تشکیل شده؛ نه حالا [بلکه] از روز اول انقلاب جبهه تشکیل شده؛ یک جبهه‌ی دشمن به وجود آمده. آن روز شوروی بود و آمریکا که نقطه‌ی مقابل هم بودند و [اگر] در صد مسئله - با کم وزیادش - باهم اختلاف داشتند امّا در مسئله‌ی جمهوری اسلامی و مخالفت با جمهوری اسلامی، هم‌فکر و همدست بودند. یعنی طبیعت استکبار این است که با یک چنین نظامی دشمنی میکند.

○ استفاده از انواع و اقسام شیوه‌ها و ابزارهای علیه جمهوری اسلامی

[پس] یک جبهه تشکیل دادند که این جبهه امروز هم وجود دارد و از انواع و اقسام شیوه‌ها هم دارد استفاده میکند؛ همچنان که فرض کنید بیست سال پیش اینترنت نبود، امروز هست؛ ابزارهای روزبه روز دارد پیشرفتی میشود. از بیشترین ابزارهای وسیع‌ترین و سریع‌ترین ابزارهای علیه جمهوری اسلامی دارند استفاده میکنند؛ جمهوری اسلامی [هم] باید خودش را آماده کند از همه‌ی ابزارها استفاده کند. [دشمن] از ابزار دیپلماسی استفاده میکند. دیپلماسی، گفتگوی سیاسی، مذاکره‌ی سیاسی، بدء‌بستان سیاسی یکی از ابزارها است؛ اینها از آن ابزار استفاده میکنند. بندۀ هم با گفتگوی سیاسی مخالف نیستم؛ البته نه با همه - استثناء دارد - بندۀ در سطح مسائل جهانی، با گفتگوی سیاسی موافقم؛ من در این زمینه‌ها از زمان ریاست جمهوری حرف داشتم و دنبال گیری میکردم؛ این جور و انmodن‌کنند که کائنه مصالباً با گفتگو کردن و مانند آن مخالفم؛ نخیر، ما، هم بیشتر از اینها موافقیم، هم در یک جاهایی بیشتر از اینها بدلیم این کارهارا؛ میدانیم هم که چه جوری باید عمل کرد. دشمن از گفتگوی سیاسی هم استفاده میکند. باید مراقب بود.

پس، از مذاکره استفاده میکند، از مبادلات اقتصادی استفاده میکند، از تحریم اقتصادی استفاده میکند، از تهدید به جنگ و سلاح استفاده میکند؛ در مقابل همه‌ی اینها بایستی

نیروی دفاعی داشت.

○ خیانت چشم پوشی از نیروی دفاعی کشور

اینکه بعضی‌ها بیایند بگویند «فردای دنیا، فردای مذاکره است، فردای موشک نیست»، این حرف اگر از روی ناآگاهی گفته شده باشد، خب ناآگاهی است، اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است. چطور [چنین چیزی] ممکن است؟ اگر چنانچه نظام جمهوری اسلامی دنبال علم برود، دنبال فناوری برود، دنبال مذاکره سیاسی برود، دنبال کارهای گوناگون تجارتی و اقتصادی برود - که همه‌ی اینها لازم است - امّا قدرت دفاعی نداشته باشد، توانایی دفاع کردن نداشته باشد، هربی سروپایی و [هر] دولت فزرتی (۱۰) کذائی ای او را تهدید میکند که اگر فلان کار رانکرده، ما موشک میزنیم؛ خب اگر شما امکان دفاع نداشته باشید، مجبورید عقب‌نشینی کنید.

○ پیشرفت‌های نظامی ما؛ مایه‌ی مبارکات همه‌ی ملت‌های آزادی خواه

قدرت‌های دنیا که شمامی بینید با صدای کلفت حرف میزنند، زور میگویند، غلط میکنند، حرفهای بد میزنند و زور گویی میکنند، بیشتر از همه به استناد همان سلاحهایی است که دارند؛ آن وقت مادر مقابل اینها بیاییم دست خودمان را خالی کنیم؟ سپاه که پیشرفت‌های موشکی خودش را نشان میدهد، نه فقط مایه‌ی افتخار و مبارکات ایرانی‌ها [است، بلکه] وقتی این موشکهای سپاه با این دقّت و با این زیبایی آزمایش میشود، خیلی از ملت‌های آزادی خواهِ دور و بر ما که دلشان از آمریکا و از رژیم صهیونیستی خون است، خوشحال میشوند. وقتی اینها انجام میگیرد، ما بیاییم اینها را بکوبیم و بگوییم آقا! امروز دیگر روز موشک گذشته! نه، روز موشک نگذشته. دشمن دائم در حال به روز کردن خود و آماده کردن خود است، [بعد] ما اینجا ساده‌لوحانه خودمان را عقب بکشیم و بگوییم نه. مثل اول انقلاب که همین اف‌چهاردۀ‌های مارامی خواستند بفروشنند و میخواستند پس بدهنند و بنده

نگذاشتم. من خبر شدم که یکی از رجال دولت موقّت آن روز گفته است این اف‌چهاردهایی که رژیم طاغوت خریده به درد مانمی‌خورد، میخواهیم چه کار کنیم این اف‌چهاردها را!! پس بدھیم بهشان. آنجا خب ما ایستادیم، هیا هو کردیم، مصاحبه کردیم و مقابله کردیم، جرئت نکردند این کار را بکنند؛ میخواستند پس بدھند. چند صباح بعدش، جنگ ایران و عراق پیشامد کرد و حمله کردند به ما و معلوم شد که ما چقدر احتیاج داریم به همین وسایلی که داریم؛ همین اف‌چهارده و همین اف‌چهار و امثال اینها. امروز هم بعضی‌ها همین آهنگ را پیش گرفته‌اند که موشک چیست، موشک میخواهیم چه کار کنیم، روزگار روزگار موشک نیست! پس روزگار چیست آقا؟

○ لزوم پیشرفت و قوی شدن در همه‌ی زمینه‌ها

[امروز] روزگار همه‌چیز است. روزگار مذاکره هم هست؛ باید در مذاکره قوی بود و جوری باید مذاکره کرد که بعد سرمان کلاه نرود. اینکه ما مذاکره بکنیم، روی کاغذ بیاوریم، بنویسیم، امضا کنیم، بعد آنها هم به حسب ظاهر یک کاری انجام بدھند منتها تحریمها بر طرف نشود و تجارت راه نیافتد، پیدا است که یک اشکالی در آنجا هست؛ باید بگذاریم این اشکالات به وجود بیاید و در آنجا هم باید خودمان راقوی کنیم. در اقتصاد درون کشور هم همین جور؛ ما گفتیم اقدام و عمل. (۱۱) گفتن بس است؛ «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». وقتی زیاد هم تکرار کردیم و مدام گفتیم اقتصاد مقاومتی، از دهن هم می‌افتد؛ یعنی تکراری که شد، یک چیز کسالت‌باری هم می‌شود؛ عمل کنیم. غرض این است که کشور احتیاج دارد.

○ نقش جامعه‌ی مدداحان در تقویت باورهای مردم و بخصوص جوانها

اینها همیه یک طرف قضیه‌است، کار و تلاشی [هم] که دشمن می‌کند برای تغییر باورهای مردم یک طرف قضیه‌است. اینجا آن وقت شما نقش ایفامیکنید، نقش پیدامیکنید؛ نقش

مهم. شما از مدافعان حرم هم که دفاع میکنید، خیلی کار بالارزشی است. همین شعرهایی که خوانده شد، همین حرفهایی که زده شد، اینها خیلی بالارزش است، در این تردیدی نیست - کما اینکه در دوران دفاع مقدس، همین شعرهایی که خوانده میشدو همین سرودهایی که گفته میشد، خیلی تأثیر داشت؛ این بلاشک امروز هم این تأثیر را دارد - منتها در کنار این یک کاری هست که آن کار اگر اهمیّتش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ و آن تقویت باورهای جوانها است. دشمن میخواهد باورهارا تغییر بدده؛ باور به اسلام را، باور به کارآمدی نظام اسلامی را، باور به کارآمدی را، باور به امکان تداوم نظام اسلامی را. برخلاف بدیهیات هم دشمن کار میکند و تبلیغات میکند؛ گاهی علیه یک چیز واضح هم اقدام میکند و کأنه با خدعا و با فریب و با چشم‌بندی میخواهند ثابت کنند. نظام اسلامی از روزی که متولد شده تا امروز، دائم در معرض حملات سنگین بوده؛ حملات سنگین نظامی و تبلیغاتی و تحریم و امثال اینها در عین حال، نظام اسلامی در این ۳۷ سال رشد کرده؛ یعنی یک روز نبوده است که توقف پیدا کند؛ از همه جهت رشد پیدا کرده، از همه جهت قدرت پیدا کرده و عظمت پیدا کرده. دشمن امروز نگاه میکند و میبیند آن نهال باریک و نازکی که اول انقلاب به وجود آمد، امروز به یک درخت تناور تبدیل شده که «تؤتی اُکله‌ها کُلَّ حینِ بِاذْنِ رَبِّهَا»؛ (۱۲) این را دارند جلوی چشمشان میبینند. خب این [نظامی] که این قدر استعداد زنده ماندن، استعداد گسترش یافتن و استعداد قوی شدن در او هست، بعد از این هم همین جور قوی تر خواهد شد، روزبه روز قوی تر خواهد شد. آن چیزهایی که ما برای چشم‌انداز آینده در نظر گرفته ایم خیالات نیست، واقعیّات است. بنده سه چهار سال قبل از این، به جوانهای دانشجو و اهل علم گفتم که شما باید کاری کنید که پنجاه سال بعد، اگر کسی خواست به تازه‌های علمی آن روز دست پیدا کند، مجبور بشود باید زبان فارسی یاد بگیرد؛ (۱۳) این میشود، این ممکن است؛ کما اینکه در این ده پانزده سال، حرکت علمی و پیشرفت علمی همانی که گفته بودیم شد. وقتی جوانها همت کنند، وقتی صاحبان همت وارد همت کنند، همه‌ی

کارهای دشوار آسان خواهد شد؛ ما میتوانیم پیش برویم. در عین حال، دشمن دارد روی باورهای جوانهای ما اثر میگذارد: «آقا چه فایده دارد، نمیشود، فایده‌ای ندارد». اینها آن میدانهایی است که جنگ روانی دشمن در این میدانها است و شما به عنوان مذاخ، میتوانید اثر بگذارید، میتوانید این جوان را لحظه‌بینی فکری تقویت کنید.

○ فلسفه‌ی اعتراض به نحوه‌ی برخی عزاداری‌ها

این که بندۀ گاهی اوقات اعتراض میکنم به بعضی از مذاخ‌ها که مثلاً فرض کنید در عزاداری دهه‌ی محرم وقتی انسان نگاه میکند - که گاهی می‌آورند عکس‌ها یش را؛ حالا هم که دیگر این وسایل زیاد شده؛ البته بندۀ ندارم اما گاهی می‌آورند به من نشان میدهند این عکس‌ها و مانند اینها را - میبینند مثلاً در یک جلسه همه دارند همین طور میپرند هوای می‌آیند پایین؛ خب، این چه فایده‌ای دارد؟ این چه تأثیری دارد؟ کجا این عزاداری است؟ اینکه من اعتراض میکنم، از هیجان جوانها بندۀ ناراحت نیستم؛ خب جوان اهل هیجان است، جوان منبع انرژی است و دائم‌آدلش میخواهد انرژی خودش را تخلیه کند؛ من از این باب [میگویم] که این وظیفه‌های بزرگ زمین نماند. وقتی که در یک جماعتی ده هزار جوان یا پنج هزار جوان جمع شدند و دلشان را دادند به شما، شما میتوانید با یک اجرای عالی، هنرمندانه و پرمغز، اینها را تبدیل کنید به انسانهای کارآمدی که با عزم جزم برونند بنال کار، میتوانید هم تبدیل کنید به آدمهای بی خیال، بی فکر، نامید و از لحظه معنوی تهییدست؛ این کار را هم میشود کرد. شما از این فرصت استفاده کنید و آن شقّ اول را انتخاب کنید. حرف من این است.

○ اهمیّت توجّه ائمّه به هدایت مردم و روشنگری در کنار روضه خوانی

مذاخ‌ضمن اینکه مدح بهترین خلائق عالم است - موضوعش مدح بهترین خلائق عالم است که اهل بیت (علیهم السلام) باشند لذا شأن و رفت و لایی دارد؛ مذاخی به طور طبیعی

این است - اما شمانگاه کنید ببینید مثلاً شاعری مثل دعبدل خزاعی در قصیده‌ی «مدارس آیات» چه دارد می‌گوید؛ قصیده‌ی «مدارس آیات» آن قصیده‌ای [است] که حضرت [رضا (سلام الله عليه)] تشویق کردند و به او کسوه (۱۴) دادند و صله دادند. این قصیده‌ای است که اصلاً بساط بنی عباس را، فلسفه‌ی وجودی بنی عباس را زیر سؤال می‌برد و آنها را محکوم می‌کند؛ یعنی سیاسی محض است؛ فقط این نیست که یک روضه‌خوانی محض و مرثیه‌خوانی محض باشد؛ نه، مرثیه‌خوانی لازم است اما همان کاری که در کنار مرثیه‌خوانی انجام می‌گرفته، مورد توجه ائمه (علیهم السلام) است. قصیده‌ی دعبدل، قصیده‌ی گُمیت، قصائد گوناگون که شعرای آن وقت می‌گفتند، دیگران هم می‌خوانند و انشاد می‌کرند یعنی مثل شما که با صدا می‌خوانید، چه خود شاعر، چه دیگری، می‌آمدند و آنها را با صدابرای مردم می‌خوانند؛ وسایل تبلیغات جمعی عبارت بود از همینها؛ امروز شما از همینها می‌توانید استفاده کنید؛ از وسایل تبلیغات جمعی بهره‌مند بشوید و مردم را هدایت کنید؛ این به نظر من کار بسیار اساسی‌ای است.

معروف است که می‌گویند شرف هر علمی بستگی دارد به شرف موضوع آن علم؛ هر علمی که موضوع آن شرافت بیشتری دارد، آن علم هم شرافت بیشتری دارد. حالا اگر این را از علم به مشاغل تسری بدهیم، موضوع مشغله‌ی شما و کار شما و همت شما عبارت است از مدح اهل بیت (علیهم السلام) و بصیرت افزایی و بیدارگری مستمعین؛ بالاترین چیزها است، خیلی بالارزش است، از این ارزش استفاده کنید. بحمد الله جمعیت مذاهها هم زیاد است؛ حالا این جماعتی که امروز اینجا تشریف آورده‌ید که جماعت قابل توجهی است لکن تعداد خوانندگان مذاه در سرتاسر کشور بیش از اینها است؛ تعداد در همه جا بحمد الله خیلی زیاد است؛ افرادی هستند که علاقه‌مندند و به این کار می‌پردازنند؛ به هر حال این یک رسالت بسیار مهم است، به این رسالت باید اهمیت بدهید. البته نقش مهمی هم شعر ایفامیکنند؛ شعرا که شعر را می‌سازند نقش مهمی را ایفامیکنند؛ منتها شعر بدون اجرای خوب تأثیرش

کم است و شما که آن اجرای عالی را، اجرای خوب را نجام میدهید، آن وقت تأثیر میگذارد.
امیدواریم خدای متعال به شماها توفیق بدهد، به ما هم توفیق بدهد و اول بتوانیم آنچه
وظیفه‌مان است تشخیص بدھیم و بفهمیم و بعد هم ان شاء الله آن را عمل کنیم.

والسلام عليکم ورحمة الله

۱) در ابتدای این دیدار، شماری از مذاہان و شعراباقرائت اشعار، به ذکر فضائل و محمد فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پرداختند.

۲) من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۳؛ «خداؤند شمارا به صورت نورهایی آفریده و گردان عرش خود قرار داده.»

۳) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۱؛ «برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مُثُل آورده ...».

۴) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۲؛ «وَمَرِيمٌ دَخْتَ عُمَرَانَ رَا...».

۵) کامل الزیارات، ص ۳۱۰؛ «خدا یاد رود بفرست بر فاطمه دختر پیغمبرت».

۶) من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۰۳

۷) اشاره به بیتی ازو ثوق الدّوله؛ «آنکه بسنجید رُخت را به ماهزاد استباہ / گفت که هم‌سنگ ترازوی توست از تو کاست»

۸) بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس (۱۳۹۵/۱/۱)

۹) هیبت، عظمت

۱۰) کوچک، ناچیز

۱۱) اشاره به شعار سال ۱۳۹۵: «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل»

۱۲) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۵؛ «میوه‌اش را هر دم به اذن پرورد گارش میدهد ...»

۱۳) از جمله بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هفتمنی همایش ملی نخبگان جوان (۱۳۹۲/۷/۱۷)

۱۴) جامه و لباس